

# انتقال رویان؛ بررسی قانون نحوه

## اهدای جنین به زوجین نابارور

بهرام شجاعی\*

تاریخ دریافت ۸۹/۶/۱۵	تاریخ پذیرش ۸۹/۹/۱۳
----------------------	---------------------

انتقال رویان حاصل از ترکیب خارج رحمی اسپرم مرد و تخمک زن، به‌ویژه رویان زوجین شرعی به زوجین ناباروری که زوجه قابلیت دریافت را دارد، به‌عنوان راه‌حل مشکل این دسته زوجین، از سوی قانونگذار جایز شمرده شده است.

در این مقاله از منظر شرعی و به‌اختصار ادله نقلی دال بر نفی و اثبات موضوع و دامنه آن ارزیابی شده و به پاره‌ای اشکالات قانون اهدای جنین اشاره می‌گردد. همچنین با رویکردی (شاید جدید) و با نگاهی به پیامدهای انتقال، این موضوع از منظر عقلی نیز مورد بحث قرار گرفته و نتیجه‌گیری به عمل می‌آید.

**کلیدواژه‌ها:** ترکیب خارج رحمی؛ اسپرم؛ تخمک؛ رویان؛ قطع رحم و تغییر خلق

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
پرتال جامع علوم انسانی

\* پژوهشگر دفتر مطالعات حقوقی مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی؛

E-mail: bahramshojaee@yahoo.com

### مقدمه

تحقیقات پزشکی روش‌های جدیدی را برای درمان یا حل مشکل ناباروری زوجها پیش روی متخصصان قرار داده است. در برخی از این روش‌ها با تمرکز روی زوجین تلاش می‌شود تا عیب و علت برطرف شده و در برخی دیگر از سایرین کمک به عمل می‌آید. چندی است اهدای رویان حاصل از تخمک زن و اسپرم مردی دیگر به زوجی که ناباروری آنان ناشی از عیب و نقص در طرف زوج است به‌عنوان یکی از راه‌های حل این مشکل معمول شده است. در این روش مرد عقیم معالجه نشده و رحم همسر او ظرف و محل پرورش رویان حاصل از تخمک زن و اسپرم مرد دیگری قرار می‌گیرد. به نظر می‌رسد با این روش زندگی زوجین دریافت‌کننده از خطر فروپاشی و جدایی مصون می‌ماند و صاحب فرزندی می‌شوند که در پرورش او همچون فرزند عادی خویش، در تمام مدت بارداری، نگران بوده و از او مراقبت و به انتظار تولد او لحظه‌شماری می‌کنند تا ضامن بقای گرمی کانون خانواده آنان باشد. حال ممکن است برخی زوجین پس از این عمل و به همین دلیل یا غیر آن از یکدیگر جدا شوند، چون احتمال دارد فرزند متولد شده دچار مشکلاتی باشد که برای پدر یا مادر یا هر دو تحمل‌پذیر نبوده و کارشان به اختلاف و احياناً جدایی بیانجامد. اما این صورت ساده با مسائل و معضلات مختلف تخصصی چون زیست‌شناختی، پزشکی، اخلاقی، حقوقی، فقهی و اجتماعی مواجه شده که حل آن همچنان نیازمند بحث و گفت‌وگوست. در این میان، طرح مباحث فقهی و حکمی این موضوع در فضای علمی و ویژگی‌های خاص خود را دارد؛ چرا که در اسلام به مسئله توالد، تناسل و حفظ نسب اهتمام ویژه‌ای شده و در این باره به‌طور اصولی، بر مبانی تکوینی، طبیعی و فطری، حقوق و احکام تأکید شده است. از این رو موضوعاتی مانند نسب، محرمیت، ارث، ولایت و ... در خصوص موضوع انتقال رویان دچار چالش شده و بخشی از فضای مباحث مطروحه را به خود اختصاص می‌دهد.

اما چرا با وجود قانون مصوب سال ۱۳۸۲ که اهدای جنین زوجین شرعی را جایز

دانسته، بحث همچنان باقی است؟ به نظر می‌رسد که هم اصل جواز هنوز با چالش و اشکال مواجه است و هم قانون مذکور و آیین‌نامه اجرایی آن جامع و مانع نبوده و تکلیف بسیاری از مسائل و پیامدهای انتقال رویان را روشن نکرده است.

## ۱ انتقال از منظر نقل

در این قسمت به طور اختصار اصل جواز انتقال را از نظر فقهی مرور کرده و بحث را با یک پرسش ساده آغاز می‌کنیم که آیا لقاح یا بارور کردن تخمک زن با اسپرم مرد، خارج از رحم، جایز است؟ در پاسخ قهراً باید میان لقاح با هدف تولید انسان در رحم غیر یا ساختن انسان آزمایشگاهی یا آزمایش، تحقیق و پژوهش علمی برای کشف و دستیابی به اطلاعات جدید تفاوت گذاشته شود. همچنین اگر لقاح به منظور انتقال به رحم غیر صورت گیرد بین اسپرم مرد و تخمک زنی که بین آنان رابطه زوجیت برقرار است و غیر آن دو تفاوت وجود دارد.

### ۱-۱ پرسش اول

آیا لقاح خارج رحمی اسپرم و تخمک زوجین قانونی برای انتقال به رحم صاحب تخمک جایز است؟

نظر فقها این است که لقاح تخمک زن با اسپرم شوهرش در خارج رحم به منظور انتقال به رحم همان زن اشکال ندارد. چنان‌که امام خمینی (ره) می‌گوید: «اشکالی در تلقیح آب (منی) مرد به همسرش به نظر نمی‌رسد، گرچه لازم است از مقدمات حرام اجتناب شود»<sup>۱</sup> (خمینی، ج ۲: ۵۵۹).

حکم جواز در این فرض دلیل خاصی ندارد؛ چون این عمل (لقاح خارج رحمی) در زمان شارع انجام نمی‌شد و از عمومات و اطلاعات ناظر بر نکاح، زناشویی، توالد و تناسل و ...

۱. لا اشکال فی أن تلقیح ماء الرجل بزوجه جائز و إن وجب الاحتراز عن حصول مقدمات محرمة.

می‌توان نتیجه گرفت که بارور شدن تخمک زن در رحم خودش با اسپرم شوهرش در فرایند عمل جنسی منعی ندارد و شرعی است، چه تخمک درون رحم باشد و اسپرم با وسیله دیگری به رحم منتقل شود و چه هر دو بیرون رحم ترکیب و بعد منتقل شود. اما جواز حتی در این صورت نیز مطلق نیست و مقید است به اینکه مشی از طریق طبیعی ممکن نباشد. به‌عنوان مثال زمانی که اسپرم و تخمک در فضای رحم به هر دلیل ترکیب نمی‌شود پس از ترکیب خارج رحمی به رحم زوجه منتقل می‌گردد و از مادر مراقبت می‌شود تا از مضرات آن مصون ماند. اما در همین فرض نیز عمل اضطراری مشروط بر این است که به از بین رفتن مضطر (زن یا شوهر) منجر نشود و پیامدهای سوء آن قابل کنترل و دفع باشد.

ممکن است گفته شود حتی در صورتی که زوجین هیچ مشکلی ندارند نیز می‌توانند با لقاح خارج رحمی و انتقال رویان به رحم زوجه، صاحب فرزند شوند. می‌گوییم بلی در صورتی که بدانیم استفاده از این روش هیچ مفسده و ضرری به دنبال ندارد آن را جایز می‌دانیم؛ اما اگر معلوم نباشد و احتمال آن برود که فرزند متکون از این روش غیرطبیعی دچار مشکل شود، یا مادر دچار عوارضی گردد، صدور مجوز به دو دلیل مشکل است: اول اینکه به حکم عقل ما حق نداریم اجازه رفتاری را بدهیم که سرنوشت دیگران را به خطر بیاندازد و دوم آنکه به دلالت ادله‌ای مانند، «دع ما یریبک الی ما لایریبک»: «آنچه تو را نگران می‌کند به سود چیزی که نگرانی ندارد، رها کن» (شهید اول، ج ۱: ۱۰۹)، که درباره آن بحث خواهیم کرد.

شاید احتیاط در امری که پیامد احتمالی آن عمل، مادی و فقط متوجه خود شخص است، لازم نباشد، مثلاً کسی که کار تجاری با ریسک بالا انجام می‌دهد در صورت شکست، ضرر آن فقط مادی است و به خود شخص برمی‌گردد و جبران شدنی است، اما جایی که پای سلامت و حقوق دیگری در میان است، نمی‌توان خطر کرد. اما در فرضی که به‌طور طبیعی به تشخیص پزشکان مشکل باشد، می‌توان گفت به تشخیص و صلاح‌دید

آنان با رعایت همه جوانب امر جایز است راه دیگری طی شود. ولی زمانی که راه طبیعی مشکلی ندارد و ممکن است، جایز نیست آن را رها کرده و به راه دیگری رو بیاوریم. می توان به این معنا دست یافت و منظور از مسیر طبیعی راهی است که صانع حکیم به اقتضای حکمت و حسن صنعش پیمودن آن را موافق با هدف مورد نظر دیده است، از این رو در شرع مقدس ارضای جنسی از طریق استمناء یا لواط یا وطی حیوانات به دلالت آیات و روایات بسیار نفی و نهی شده است و خداوند از زبان پیامبرش خطاب به کسانی که به این منظور راه غیرطبیعی را برگزیده بودند می فرماید: «یا قوم هؤلاء بناتی هن اطهر لکم»: «ای قوم من؛ اینان دختران من اند، آنان برای شما پاکیزه ترند» (هود: ۷۸).

با توجه به این دسته از آیات و روایات می توان گفت از نظر شارع مقدس خروج از مسیر طبیعی مشکل است. چنان که برخی فقها در پاسخ به پرسش فردی مبنی بر اینکه «علاقه به جنس موافق در ارضای غریزه جنسی یک حالت کاملاً طبیعی ... است، پس چرا در این دین [اسلام] لواط حرام است؟ چنین پاسخ داده اند: «خلقت غرایز و تمایلات در انسان برای اهدافی بوده و گزافی نیست و خلق غریزه جنسی در انسان و حیوانات برای بقای نسل بوده است و این هدف بر لواط مترتب نیست، بلکه روی آوردن به آن انحراف از هدف خلقت است. علاوه بر آنکه امراض خطرناک و درهم ریختن اخلاق فردی و اجتماعی بسیاری را در پی دارد» (منتظری، ۱۳۸۸: ۵۳۳) و انحراف از هدف خلقت یا نهاد طبیعی و پیامدهای سوء را از جمله عوامل مؤثر در تحریم لواط دانسته اند.

در پاسخ به این پرسش که آیا لقاح خارج رحمی اسپرم و تخمک زوجین قانونی به منظور انتقال رویان به رحم غیرزوجه، جایز است؟ بعداً بحث خواهد شد.

## ۱-۲ پرسش دوم

آیا باروری و ترکیب تخمک زن و مرد اجنبی، خارج از رحم به منظور انتقال به رحم صاحب تخمک یا رحم غیر او جایز است؟

یک نظریه اینکه جایز نیست<sup>۱</sup> (سیستانی، ج ۱: ۴۶۲)، به چند دلیل از جمله:

الف) آیاتی مانند: «و قل للمؤمنات یغضضن من ابصارهن و یحفظن فروجهن: [ای پیامبر] به زنان مؤمن بگو چشم خود را فروپوشانند و فروج خود را حفظ کنند» (نور: ۳۱) و «الذین هم لفروجهم حافظون، الا علی ازواجهم ... فمن ابتغی وراء ذلك فاولئك هم العادون: و کسانی که پاکدامن اند (فروج خود را حفظ می کنند) مگر در مورد همسرانشان ... پس هر که فراتر از این جوید آنان از حد گذرند گانند» (مؤمنون: ۵).

حفظ فرج در هر دو آیه اطلاق دارد و هم شامل حفظ فرج به خودی خود، از حیث نگاه کردن و عمل جنسی است، حتی اگر زن فاقد رحم باشد هم شامل حفظ آن به عنوان راهی برای رسیدن به رحم<sup>۲</sup>، چون در آن زمان فرج راه متعارف رسیدن به رحم بود و در این صورت حفظ فرج، قطعاً شامل حفظ رحم از تصرف منتهی به تولد توسط غیر زوج می شود، خواه به استقرار نطفه غیر زوج باشد یا تخمک زنی دیگر یا به انتقال رویانی که اسپرم آن از

۱. از فتوای حضرت آیت الله سیستانی استفاده می شود: لا یجوز تلقیح المرأة بماء غیر الزوج، سواء أكانت ذات زوج ام لا، رضی الزوج و الزوجة بذلک ام لا، کان التلقیح بواسطة الزوج ام غیره: تلقیح زن به آب (منی) غیر همسرش جایز نیست، خواه دارای همسر باشد یا نباشد، و در صورتی که دارای همسر باشد، هر دو راضی باشند یا نباشند، و تلقیح به وسیله زوج خودش انجام شود یا دیگری. همچنین از فتوای حضرت آیت الله تبریزی در پاسخ به این استفتا: هل یجوز تلقیح المرأة سواء متزوجة ام غیر متزوجة بنطفة رجل اجنبی؟ لا یجوز ذلك (جواد تبریزی، ج ۶: ۴۸۱)؛ هم ایشان در پاسخ استفتای دیگری ناظر به همین مسئله در بیان وجه عدم جواز می گوید: «الحرمة وضع الرجل مائه فی رحم لا تحل له و لیس زوجته الشرعية: چون قرار دادن آب مرد در رحمی که برای او حلال نیست و رحم همسر شرعی او نیست، حرام می باشد (همان). همچنین قضاوی از صاحب نظران اهل سنت می گوید: ... یحرم ما یعرف بالتلقیح الصناعی» اذا كان التلقیح بغير نطفة الزوج بل یكون فی هذه الحالة - كما قال الاستاذ الاکبر الشیخ شلتوت - «جریمة منكرة و اثماً عظیماً یتلقى مع الزنی فی اطار واحد، و جوهرهما واحد، و نتیجتاً واحدة»: تلقیح مصنوعی زن با نطفه غیر همسرش حرام است بلکه در صورت تلقیح - همان طور که استاد بزرگ شیخ شلتوت گفته است - جرمی زشت و گناهی بزرگ انجام شده که با زنا در یک ردیف است، چون ماهیت و نتیجه هر دو یکی است» (قضاوی، ۱۴۰۹ ق: ۳۴۶).

۲. چنان که مراد از حفظ فرج در مورد مردان نیز همین معنای عام است. از این رو می توان به طور قطع گفت آیه شامل مرد مقطوع الذکر نیز هست و مراد از حفظ در مورد او اینکه از اسپرم او برای حامله کردن زنی غیر از همسر خودش استفاده نشود.

غیر زوج است، حتی اگر از غیر طریق فرج باشد، پس همه این موارد ممنوع است. همچنین می‌توان گفت آیه دوم با توجه به شمول آن بر عمل استمتاع جنسی به قرینه واژه «ازواج» دلالت بر این دارد که مؤمنان وظیفه دارند آلت تناسلی‌شان را در زمینه استمتاع جنسی حفظ کنند مگر بر زوجشان و از ذیل آیه استفاده می‌شود که اگر از مؤمنان کسی به منظور استمتاع جنسی راهی غیر از آنچه در آیه ذکر شده بجوید تجاوزگر است.<sup>۱</sup> و می‌دانیم که تمایل به استمتاع جنسی در زوجین یعنی جنس نر و ماده، وضعی طبیعی است که غایت آن به‌طور طبیعی تولید مثل است؛ یعنی تمایل به استمتاع جنسی برای آن در انسان نهاده شده تا نسل بشر استمرار یابد<sup>۲</sup> و درحقیقت در پس تمایل جنسی زوجین به یکدیگر استمرار نسل بشر دیده شده است و بنابراین انحراف از استمتاع جنسی به‌طور طبیعی، انحراف از غایت نهاد میل جنسی در انسان، یعنی استیلاست. حال آنکه امروزه استیلاست بدون استمتاع و عقد محلل فرج، بین زوجین امکان‌پذیر شده است. به این معنا که ممکن است اسپرم مردی گرفته شود و به زنی تلقیح گردد یا تخمک زنی گرفته شود و پس از ترکیب با اسپرم مردی در رحم مصنوعی یا رحم عاریه‌ای منتهی به تولید مثل شود. حال پرسش این است که آیا ذیل آیه شریفه که فرمود: «هرکس راهی غیر از آنچه در آیه ذکر شده بجوید تجاوزگر است» شامل تجاوز از راه طبیعی استیلاست که غایت طبیعی استمتاع جنسی است نیز می‌شود یا نه؟ به نظر می‌رسد آری، چون اگر غایت نبود، ذی‌الغایت معنا نداشت و بنابراین تلقیح اسپرم مردی به زنی که رابطه زوجیت بین آنها نبوده، تجاوز از راه طبیعی استیلاست و به جهت تجاوزگرانه بودن، راه ممنوع محسوب می‌شود. به این مسئله پاسخی داده شده که پس از این مطرح و نقد می‌شود.

۱. شارع با همین آیه و ادله نقلی دیگر، راه‌های دیگر استمتاع جنسی اعم از استمتاع با غیرزوجه، مساحقه، تفخیز، لواط، استمناء و شیوه‌های جدیدی را که پدید آمده یا ممکن است بعد از این پدید آیند، تحریم کرده تا راه مشروع مبتنی بر نهاد طبیعی متروک نشود.

۲. برخی روایات بر این معنا که «امر الفرج شدید منه یكون الولد» (حر عاملی، ج ۱۴: ۱۹۳) تأکید می‌کند.

ب) از مذاق شارع چنین استنباط می‌شود<sup>۱</sup> که ممکن است مراد از آن، استنباط این معنا از بخشی از گزاره‌های نقلی مرتبط با موضوع باشد، گرچه هیچ‌یک از آن گزاره‌ها به‌خصوص بر آن معنا دلالت نداشته باشد.

اشکال این‌گونه استنباط آن است که ضابطه‌مند و مستند نبوده و ممکن است هرکس از مجموعه‌ای ادله مذاق شارع را به‌گونه‌ای استنباط کند و ادعایی نماید که قابل دفاع نیست. اما اگر در پاسخ این اشکال گفته شود که منظور از نظر نوعی استدلال به دلالت سیاقی از نوع دلالت اشاره است (مظفر، ۱۳۸۶ ق، ج ۱: ۱۳۵) به این معنا که گرچه در هیچ‌یک از آن بخش از گزاره‌ها قصد نداشته آن معنای خاص را بگوید؛ اما لازمه عقلی الفاظ او این معناست، مثل استفاده اقل مدت حمل از دو آیه ذیل، که در هیچ‌یک از آن دو به اقل حمل تصریح نشده است. شارع در آیه‌ای فرموده: «حمله و فصاله ثلاثون شهراً: حاملگی و از شیر گرفتن فرزند سی ماه است» (احقاف: ۱۵). و در آیه‌ای دیگر فرموده: «الوالدات یرضعن اولادهن حولین کاملین: مادران [باید] فرزندان خود را دو سال تمام شیر دهند»<sup>۲</sup> (بقره: ۲۳۳). که اگر ۲۴ ماه را از سی ماه کم کنیم شش ماه می‌ماند و می‌توان گفت از نظر شارع مقدس اقل حمل شش ماه است. در اینجا نیز گرچه به‌صراحت فرموده ترکیب تخمک زن و مرد اجنبی، خارج از رحم به‌منظور انتقال به رحم غیر جایز نیست، اما لازمه عقلی اظهارات او در موارد دیگر که انعقاد نطفه را بدون عقد شرعی و در میان محارم، مسلمان و کافر نفی کرده همین است.

ج) اصل احتیاط در فروج که از برخی روایات مانند معتبره ابوبصیر از امام باقر (ع) و غیر آن استفاده می‌شود. ابو بصیر می‌گوید: «از امام باقر (ع) درباره مردی پرسیدم که با زنی ازدواج کرد و پس از آن زن به او گفت: من حامله‌ام و خواهر رضاعی تو هستم و در عده‌ام حضرت فرمود: اگر با او نزدیکی کرده است به حرفهایش اعتنا نکند و اگر با او نزدیکی

۱. چنان‌که حضرت آیت‌الله میلانی به این وجه فتوا داده‌اند (نک. جمعی از نویسندگان: ۶۷).

۲. شیر دادن فرزندان به مدت دو سال، آنها را هم از نظر بهره‌هوشی و هم از نظر جسمی در وضعیت مطلوب قرار می‌دهد.



نکرده است و او را از قبل نمی‌شناسد از حال او پرس و جو کند»<sup>۱</sup> (کلینی، ۱۳۶۳، ج ۵: ۵۶۱). در این روایت با اینکه امام می‌توانست به‌طور کلی اصل عدم حاملگی و خواهر رضاعی و در عده بودن را جاری کند و بفرماید اعتنا مکن، ولی از باب احتیاط تفصیل داده است. اشکال آن این است که این اصل ناظر به استمتاعات جنسی است نه هر کار ممکن از طریق فرج. ولی در پاسخ می‌توان گفت، درست است که نتیجه هر استماعی باروری و تولد فرزند نیست، اما چون راه متعارف تولد فرزند ترکیب تخمک و اسپرم است که از طریق نزدیکی انجام می‌شود، این موضوع نیز در دایره نظر امام (ع) بوده و اسلام نخواستار است این ترکیب از هر راهی صورت گیرد.

د) اینکه نتیجه زنا حرام در آن مشاهده می‌شود<sup>۲</sup> این دلیل، مقتضی بررسی حرمت زنا و این پرسش است که زنا از نظر شارع به چه دلیل حرام شده است؟<sup>۳</sup> آیا حرام است چون عملی است لذت‌جویانه، و باید ضابطه‌مند و مسئولانه باشد تا سلامت فرد و جامعه را تأمین

۱. عن ابی بصیر قال: سألت ابا جعفر (ع) عن رجل تزوج امرأة فقالت: انا حبلی و انا اختک من الرضاة و انا علی غیر عده، فقال (ع) ان کان دخل بها و واقعها فلا یصدقها، و ان لم یدخل بها و لم یواقعها فلیخبر و لیسأل اذا لم یکن عرفها قبل ذلک.  
۲. قرضای می‌گوید: «استاد بزرگ شیخ شلتوت گفته است: تلقیح مصنوعی زن با نطفه غیرهمسرش جرمی زشت و گناهی بزرگ در ردیف زناست، چون ماهیت و نتیجه هر دو یکی است.» (قرضای، ۱۴۰۹ ق: ۳۴۶).  
۳. قرآن در تعلیل حرمت زنا می‌گوید: لا تقربوا الزنی انه کان فاحشة و ساء سبیلاً: به زنا نزدیک نشوید چون فاحشه و بد راهی است! (اسراء: ۳۲).

فاحشه یعنی زیربنا نهادن حدود و چارچوب‌ها و عمل برخلاف آنها که در فرهنگ قرآنی منظور حدودی است که در شریعت الهی بر مبنای تکوین وضع شده‌اند و راه بد یعنی راهی که می‌توان رفت اما معلوم نیست به‌جایی مطلوب و خیر ختم شود، یا معلوم است به فساد و تباهی منجر خواهد شد. در آیه مبارکه به ذکر راه بد بودن اکتفا کرده است و آثار و تبعات و مصادیق بدی را بیان نکرده تا همه بدی‌های ناشی از آن را پوشش دهد که اعم است از تأثیرات بد روانی، اخلاقی و رفتاری در فرد مانند خودفروشی، هرزه‌گرایی و در اجتماع مانند قطع روابط و نسب‌ها و پایمال شدن حقوق اطفال زنا و ... که دون شأن انسان و لایق جامعه حیوانی است. در لغت هم آمده است اصل الزنا، الضیق و منه الحدیث: لا یصلین احدکم و هو زناء، ای مدافع للبول. لسان العرب ماده زنا. و زنا، لموضع، یزنون: ضاق ... و فی الحدیث: کان النبی (ص) لا یحب الدنیا الا ازناها، ای اضیقها (همان). گویی زناکار هم خودش و هم جامعه را در تنگنا قرار می‌دهد. و از نظر عقل رفتن راهی که به تنگنا منجر شود جایز نیست.

کند؛ یا حرام است چون منتهی به بارداری زن می شود درحالی که هیچ کس مسئولیت این فرزند را تقبل نمی کند؛ یا حرام است چون مرد هرزه گرا و غیرقابل اعتماد و زن منحرف می شود و قابلیت همسر بودن برای مردی دیگر و تشکیل خانواده را از دست می دهد<sup>۱</sup> بنابراین نمی توان گفت زنا تنها به دلیل افرام منی و اقرار نطفه مرد در رحم زن و بارور کردن تخمک او حرام است، و به تبع آن نمی توان گفت بارور شدن تخمک زن با اسپرم مرد اجنبی حرام است، چون نتیجه زنا حرام در آن مشاهده می شود، گرچه باروری تخمک زن یکی از پیامدهای زنا در برخی موارد است.

ه) روایاتی وجود دارد که تصریح می کند مردی که نطفه اش را در رحمی که بر او حرام است قرار دهد، کار بسیار بدی کرده است، چنان که علی بن سالم از امام صادق (ع) نقل می کند که فرمود: «شدیدترین عذاب در روز قیامت از آن مردی است که نطفه اش را در رحمی که بر او حرام است قرار دهد»<sup>۲</sup> (کلینی، ۱۳۶۳، ج ۵: ۵۴۱). و از پیامبر اکرم (ص) نقل است که فرمودند: نزد خداوند هرگز فرزند آدم کاری سنگین تر از کشتن پیامبری یا خراب کردن کعبه ... یا ریختن آب [منی] اش در رحم زنی که بر او حرام است انجام نداده است<sup>۳</sup> (صدوق، ۱۳۹۰، ق، ج ۴: ۱۲) و نیز امام علی (ع) از پیامبر اکرم (ص) نقل می کنند که: نزد خداوند بعد از شرک گناهی بزرگ تر از آن نیست که مردی نطفه اش را در رحمی که بر او حرام است قرار دهد<sup>۴</sup> (ابوعلی محمد بن محمد الاشعث: ۹۹ و ابوحنیفه نعمان بن محمد، ۱۴۱۱، ق، ج ۲: ۴۴۸).

اما این دسته روایات اولاً، همه از حیث سند ضعیف است. ثانیاً، می توان گفت در همه

۱. می توان گفت قانونگذار عاقل اطفای غریزه جنسی را در چارچوب قرار داده تا جامعه انسانی را از حیوانی متمایز سازد، پس آن را منوط به رضایت و عقد و قبول تعهدات متقابل کرده است، و این عمل را خارج از چارچوب قانونی، زنا و حرام دانسته، چون مفاسد متعددی راجع به زن و مرد و فرزند و جامعه و خانواده در آن مشاهده کرده است.

۲. اشد الناس عذاباً یوم القيامة رجل اقر نطفته فی رحم یحرم علیه.

۳. لن یعمل ابن آدم عملاً اعظم عند الله - عزوجل - من رجل قتل نبیاً او هدم الکعبه ... او افروغ مائه فی امرأة حراماً.

۴. ما من ذنب اعظم منه عند الله تبارک و تعالی بعد الشرک من نطفة حرام وضعها فی رحم لا تحل له.

این روایات قرار دادن نطفه در رحم حرام به مرد صاحب نطفه اسناد داده شده و طریق آن در زمان شارع همان زنا بوده است و در واقع مفاد این روایات همان زنا حرام است که در اینجا به آن نمی‌پردازیم؛ مگر اینکه با تنقیح مناط گفته شود منظور آن است که نطفه مرد اجنبی در رحم زن اجنبیه قرار نگیرد، خواه به زنا باشد یا غیر آن، بلکه گفته شود منظور آن است که نطفه زن و مردی که بر همدیگر حرام‌اند، با هدف بارور شدن ترکیب نشود، خواه در رحم با انتقال اسپرم باشد، یا با انتقال تخمک اجنبیه به رحم زوجه فاقد تخمک، تا اسپرم از طریق تزریق یا از طریق مقاربت [چون که دریافت‌کننده تخمک همسر شرعی اوست] به آن برسد. یا خارج رحم گرچه لقاح خارج رحمی در آن زمان معمول نبوده است. به عبارت دیگر ممکن است از این روایات استفاده شود که شارع مقدس تکون فرزند را از طریق خاص اراده کرده و آن ترکیب نطفه زن و مردی است که با همدیگر رابطه زوجیت دارند و بر یکدیگر حلال‌اند.

و) به علاوه این روش که در اصطلاح پزشکی لقاح خارج رحمی (باروری در آزمایشگاه)<sup>۱</sup> عنوان شده متضمن نابود کردن تعدادی رویان برجا مانده از ترکیب است که با توجه به حرمت از بین بردن جنین در سقط آن - گرچه یک‌روزه باشد<sup>۲</sup> - و تنقیح مناط می‌توان وجه دیگری برای منع ارائه کرد.

نظریه دیگر جواز است. چنان‌که اگر با اشکال در این ادله یا نحوه استدلال مواجه شده و نتوانستیم اصل ترکیب نطفه زن و مرد اجنبی به منظور انتقال به غیر را از نظر شرع مردود بدانیم، تمام صورت‌های مذکور در صدر مسئله جایز است. چنان‌که برخی فقها اظهار داشته‌اند: «دلیلی بر حرمت تلقیح نطفه مرد اجنبی به زن به وسیله شوهر آن زن وجود

#### 1. In Vitro Fertilization (IVF)

۲. فتوای برخی فقیهان چنین است: «اگر انسان کاری کند که زن حامله سقط کند گناه کرده است و اگر آن جنین آزاد و محکوم به اسلام باشد دیه آن بدین شرح می‌باشد: اگر جنین به صورت نطفه باشد دیه آن بیست مثقال طلای سکه‌دار است ... (منتظری، ۱۳۸۸: ۵۹۵). و در روضه می‌گوید: الاول فی دية الجنین ... فی النطفة اذا استقرت فی الرحم و استعدت للنشوء عشرون دیناراً. و یکفی فی ثبوت العشرین مجرد الالتقاء فی الرحم مع تحقق الاستقرار (شهید ثانی، ج ۴: ۵۳۹).

ندارد و اصل اباحه این عمل را جایز می‌کند<sup>۱</sup> (قرضاوی، ۱۴۰۹ ق: ۳۴۷). فقیه دیگری در پاسخ به این پرسش که اگر «نطفه مرد را با تخمک زن دیگری (غیر از همسر خودش) در خارج رحم مخلوط کنند و در رحم همسر او قرار دهند، اشکال دارد یا خیر؟» پاسخ می‌دهد: «امتزاج اسپرم زوج با تخمک زن دیگر در خارج و تلقیح آن به زوجه، یا زن مذکور یا زن ثالث، ظاهراً مانعی ندارد، چون نه زناست و نه وارد نمودن منی در رحم زن اجنبیه» (صانعی، ۱۳۸۶، ج ۲: ۴۱۹-۴۱۸).

و ظاهراً بنابر این نظریه کسانی که زوجیت دهندگان اسپرم و تخمک را شرط نمی‌دانند، مسلمان بودن آنان را نیز شرط نمی‌دانند و با این حساب نباید باروری و ترکیب تخمک زن و مرد غیرمسلمان و انتقال آن را به رحم زن مسلمان اشکال کنند!

ولی به اعتقاد ما طی این طریق مشکل است نه به این دلیل که در شبهات تحریمیه قائل به احتیاط هستیم چنان که اخباریان قائل اند، بلکه به دلیل عموم و اطلاق آیات و روایات و مؤیداتی که عقل از تبعات قضیه می‌گیرد و در پاسخ به پرسش بعد و پس از آن به تفصیل بیان می‌شود.

### ۳-۱ پرسش سوم

آیا ترکیب خارج رحمی اسپرم و تخمک زوجین شرعی به منظور انتقال به رحم غیرزوجه جایز است؟ خواه صاحب رحم فرزند متولد را برای خودش بخواهد یا رحم وی به اجاره یا عاریه و نوع دوستانه محل پرورش فرزند برای تحویل به دیگری قرار گیرد و خواه صاحب رحم زن باشد یا مرد<sup>۲</sup> و زن مجرد باشد یا مزدوج؟

پیش‌تر گفته شد این فرض محل کلام است. برخی فقها که صورت قبل را جایز دانسته‌اند این را هم جایز می‌دانند. چنان که از پاسخ برخی آنان به پرسش پیشین، حکم این مسئله هم استفاده می‌شود (همان) و ممکن است تفصیل داده شود و انتقال تنها به رحم زن

۱. أن تلقح المرأة بماء رجل اجنبی بواسطة زوجها، و هذا العمل لادلیل علی حرمة فیأتی اصل الاباحة یجوز لنا هذا العمل.

۲. در صورتی که از نظر پزشکی امکان بارداری مردان وجود داشته باشد.

شوهردار جایز دانسته شود و در بقیه موارد خیر، چنان که ظاهر قانون نحوه اهدای جنین به زوجین نابارور چنین است.<sup>۱</sup>

یا انتقال به رحم زن شوهردار را جایز نداند و در بقیه موارد جایز بداند، چنان که برخی در پاسخ به این پرسش که «اگر زوج فاقد نطفه بوده و زوجه سالم باشد، آیا صحیح است که از زن و شوهر دیگری اسپرم و تخمک گرفته شود و پس از لقاح در آزمایشگاه، جنین حاصله به رحم زن اول انتقال یابد؟» چنین گفته‌اند: «قرار دادن جنین حاصله در رحم زن شوهردار محل اشکال است» (منتظری، ۱۳۸۸، ج ۳، ۳۴۱) و جای دیگر در تعلیل عدم جواز گفته است: «زیرا بچه متولد از زن شوهردار شرعاً به شوهر ملحق است،<sup>۲</sup> مگر اینکه او<sup>۳</sup> در این مدت با او نزدیکی در جلو با انزال نکند».

مفهوم عبارت بالا این است که قرار دادن جنین حاصله در رحم زن فاقد شوهر محل اشکال نیست، چنان که در پاسخ پرسشی دیگر گفته است: «اگر اسپرم مرد و تخمک همسرش را پس از ترکیب آنها در رحم زن بی شوهر قرار دهند به عنوان اجاره یا عاریه رحم زن، ظاهراً اشکال ندارد و بچه متعلق به صاحب اسپرم و تخمک است» (همان، ج ۲: ۴۰۱).

قائل به جواز مطلق در همه موارد فوق، یا در مواردی که انتقال را جایز می‌داند، ممکن است به دلیل برائت در شبهه تحریمی و اجرای اصل حلیت در جایی تمسک نماید که عمل به طور مشخص تحریم نشده است. در رد تمسک به آیه «قل للمؤمنات یغضن من ابصارهن و یحفظن فروجهن: [ای پیامبر] به زنان مؤمن بگو چشم خود را فروپوشانند و فروج خود را

---

۱. چون در قانون آمده است «کلیه مراکز تخصصی درمان ناباروری ذی صلاح مجاز خواهند بود ... نسبت به انتقال جنین‌های حاصله از تلقیح خارج از رحم زوج‌های قانونی و شرعی ... به رحم زنانی که پس از ازدواج و انجام اقدامات پزشکی ناباروری آنها ... به اثبات رسیده اقدام نمایند» و دلالت تقیید به زوجین نابارور این است که انتقال به زوجین بارور و زن غیرمزدوج را جایز نمی‌داند.

۲. ظاهراً مستند تعلیل ایشان «الولد للفراش» می‌باشد. اما فرض مسئله جایی است که از نظر پزشکان عادل مرد قادر به بارور کردن همسرش نباشد، لکن به حسب احتیاط حق با ایشان است.

۳. یعنی شوهر.

حفظ کنند» (نور: ۳۱) می گوید: بر منع انتقال رویان دلالت ندارد چون ظاهراً «حفظ فرج» به قرینه «غض بصر» که بر آن مقدم شده است یا کنایه از حفظ فرج از زناست نه از هر کاری که ممکن است در مورد آن انجام شود، یا مختص به حفظ از نظر است، چنان که ابوعمر و زبیری از امام صادق (ع) نقل می کنند که پس از ذکر آیه فرمودند: «زنان چشم خود را فروپوشانند که به فرج زن دیگری نگاه نکنند و فرجشان را حفظ کنند که به آن نگاه نشود و فرمودند: هر آیه ای که در قرآن در مورد حفظ فرج آمده مربوط به زناست، به جز این آیه که مربوط به نظر است»<sup>۱</sup> (کلینی، ۱۳۶۳، ج ۲: ۳۶ و نک. طباطبایی، ج ۱۵: ۱۱۱).

و آیه «و الذین هم لفروجهم حافظون، الا علی ازواجهم ... فمن ابتغی وراء ذلک فاولئک هم العادون: و کسانی که پاکدامن اند فروج خود را حفظ می کنند مگر در مورد همسرانشان ... پس هر که فراتر از این جوید آنان از حد گذرند گانند» (مؤمنون: ۵). هم به این امر دلالت ندارد، چون به قرینه «الا علی ازواجهم» احتمال قوی می دهیم که این آیه ناظر به زناست (نک. طباطبایی، ج ۱۵: ۱۰).

می گویم مقدم شدن «غض بصر» به آن دلیل است که دیدن، تأثیر بسیاری در برانگیختن خواهش نفسانی دارد و گرنه بوییدن، شنیدن و لمس نیز مؤثر است. از سویی روایت ابوعمر و زبیری از حیث سند ضعیف است و نمی تواند عام قرآن را محدود به «نظر» کند. «الا علی ازواجهم» نیز نمی تواند قرینه بر انحصار اراده به حفظ از زنا باشد، بلکه حفظ از آنچه مناسب با آن است اراده شده، از جمله حفظ از نظر. و همسران شرعی (ازواج) استثنا شده اند و می توانند بهره ای از فرج به عنوان آلت تناسلی یا راه رسیدن به رحم یا انتقال نطفه داشته باشند.

پیش تر مستدلاً بیان شد که هر دو آیه شامل حفظ فرج به عنوان راه رسیدن به رحم نیز می شود. با این همه اگر استدلال یاد شده مورد قبول قرار نگیرد و گفته شد چون انتقال گامت (اسپرم یا تخمک) یا رویان به کمک وسایل جدید در آن زمان معهود نبوده، پس

۱. ابوعمر و زبیری عن ابی عبدالله (ع): من ان تنظر احداهن الی فرج اختها و تحفظ فرجها من ان ينظر الیه و قال: کل شیء فی القرآن من حفظ الفرج فهو من الزنا الا هذه الآیه فانها من النظر.

آیات و روایات ربطی به موضوع بحث ما ندارد و انتقال رویان هم لزوماً از طریق فرج انجام نمی‌شود بلکه با تزریق از غیرمجرای فرج نیز صورت می‌گیرد، علاوه بر جواز انتقال رویان، انتقال نطفه همسر دیگر زوج به رحم این زوج، به‌منظور دریافت اسپرم زوج از طریق مقاربت یا تزریق نیز مانعی نخواهد داشت.

کاشتن رویان حاصل از نطفه زوج و همسر دیگرش در رحم این زوج نیز در صورتی که صاحب تخمک نباشد، مانعی ندارد. همچنین مسائل بعدی آن در مورد ارث، نسب، محرمیت، ولایت و ... نیز حل شدنی است، چون صاحبان اسپرم و تخمک پدر و مادر واقعی او و معلوم‌اند. به‌نظر می‌رسد براساس این استدلال، قانون نحوه اهدای جنین تصویب شده و اهدای جنین به زوجین نابارور را با شرایطی جایز دانسته است.

#### ۴-۱- نگاهی گذرا به قانون نحوه اهدای جنین به زوجین نابارور

در ماده (۱) این قانون آمده: «کلیه مراکز تخصصی درمان ناباروری ذی‌صلاح مجاز خواهند بود با رعایت ضوابط شرعی و شرایط مندرج در این قانون نسبت به انتقال جنین‌های حاصله از تلقیح خارج از رحم زوج‌های قانونی و شرعی پس از موافقت کتبی زوجین صاحب جنین به رحم زنانی که پس از ازدواج و انجام اقدامات پزشکی ناباروری آنها (هریک به تنهایی یا هر دو) به اثبات رسیده اقدام نمایند».

به‌نظر می‌رسد این قانون که گویی خواسته با چشم‌پسته مشکلی را حل کند؛ علاوه بر ضعف محتوا، مشکلاتی را نیز به همراه دارد که در ذیل به برخی از آنها اشاره می‌شود:

۱. اگر اهدای رویان جایز است چرا قانون، آن را منحصر به زوجین نابارور کرده است؟ بلکه باید اهدای آن را در هر زنی که به هر دلیل نمی‌خواهد ازدواج کند و می‌خواهد از این طریق صاحب فرزند شود نیز جایز بداند و همین‌طور اگر مردی عقیم است و نمی‌تواند صاحب فرزند شود یا نمی‌خواهد همسری داشته باشد یا کسی حاضر نیست به همسری او درآید نیز بتواند با پیوند رحم به خودش<sup>۱</sup> و انتقال رویان اهدایی

۱. در صورتی که از نظر پزشکی امکان بارداری مرد وجود داشته باشد.

صاحب فرزند شود. همچنین چرا در تبصره «الف» ماده (۲) آن را به زوجینی منحصر کرده که «بنا به گواهی معتبر پزشکی امکان بچه‌دار شدن نداشته باشند و زوجه استعداد دریافت جنین را داشته باشد».

اگر اصل این عمل جایز است، باید انتقال جنین به زوج‌هایی که امکان بچه‌دار شدن را دارند نیز جایز باشد. فقهای که نظرشان بر جواز است انتقال جنین‌های حاصل از تلقیح خارج از رحم زوج‌های قانونی و شرعی را مطلقاً جایز می‌دانند، پس این سؤال پیش می‌آید که چرا قانونگذار آن را تحدید کرده است؟ و اگر در پاسخ گفته شود، اصل عمل جایز است، لکن قانونگذار می‌تواند این جواز را بنا به مصالحی مقید کند، می‌گوییم باید توجه داشت که هر جا مصلحتی دیده می‌شود، به مفسده‌اش نیز باید توجه کرد، و در این مورد اگر مفسده به ذات عمل مربوط نباشد لابد به نپذیرفتن جامعه مربوط است. به این معنا که گاه به دلیل عدم زمینه پذیرش عمومی جواز مطلق مقید می‌شود تا با تبلیغ و گذشت زمان زمینه پذیرش عام آن پدید آید و در زمان مقتضی جواز آن به‌طور مطلق اعلام شود.

ملاحظه می‌شود که این نحوه عمل برخلاف روند قانونگذاری است؛ زیرا بنای قانونگذار در میان عقلا و در سیره شارع مقدس بر تحدید و تقیید مواردی از آزادی مطلق یا ترخیص مواردی از منع مطلق است و در مورد اهدای جنین نیز قانونگذار از این سیره دست برنداشته و ظاهراً منع مطلق را در مواردی جایز دانسته است، چون در زمینه‌ای که حداقل توهم حظر و منع قوی بوده وارد شده و اهدای جنین را به زوجین نابارور و ازطرف زوجین قانونی مقید و با این نحوه قانونگذاری بر آن تأکید کرده است. مگر اینکه بگوییم قانونگذار با قانون اهدای جنین می‌خواهد بگوید هر کس حق ندارد نسبت به انتقال جنین اقدام کند و تنها مراکز تخصصی در این زمینه مجازند. اما اگر چنین بود، دلیلی نداشت اهدا را به زوجین نابارور و ازسوی زوجین قانونی مقید نماید.

شاید گفته شود این عمل ذاتاً جایز نیست و به‌ضرورت و برای حل مشکل زوجین ناباروری که زندگیشان در خطر متلاشی شدن قرار دارد جایز شمرده شده است. در این



صورت باید به حکم «الضرورات تنقذ بقدرها» به مقدار رفع ضرورت بسنده شده و آن را منحصر به زوجینی کرد که امکان بچه‌دار شدن ندارند.

باید توجه داشت که قاعده دیگر در فضای اضطراری این است که مندوحه (راه فراری دیگر) در بین نباشد، حال آنکه در اینجا چنین مندوحه‌ای وجود دارد و می‌توان گفت اگر زوجه مشکل دارد و زوج مشکلی ندارد، می‌تواند همسر دیگری به‌طور موقت اختیار کند، به شرط آنکه فقط از تخمک او استفاده کند، حال یا برای تلقیح خارج رحمی با اسپرم او، یا انتقال به رحم زوجه دیگرش تا از طریق مقاربت با اسپرم زوج ترکیب شود، یا به شرط اینکه فقط فرزندی برای او بیاورد و بعد از او جدا شود، و به این ترتیب همسر او می‌تواند فرزند شوهرش را داشته باشد و عواطف مادرانه را پبای او بریزد.

اما اگر زوج مشکل دارد، و زوجه به‌شدت مایل به داشتن فرزند است می‌تواند کودک بی‌سرپرستی را به فرزندی بپذیرند، مگر اینکه زوجه مصر باشد که خود بارداری را تجربه کند که در این صورت می‌تواند از این شخص جدا شود و از دیگری صاحب فرزند شود، و اگر می‌خواهد با او هم‌بستر نشود، می‌تواند به عقد موقت او درآید و شرط کند که از اسپرم او استفاده نماید و پس از حامله شدن از او طلاق بگیرد و مجدداً به ازدواج همسر اول درآید.<sup>۱</sup>

این کلام شاید به مذاق مردان عقیم خوش نیاید و غیرت آنها را برانگیزد، درحالی‌که به قرار مسموع متأسفانه در برخی مراکز ناباروری از اسپرم مرد اجنبی و حتی کافر برای بارور کردن زوجه استفاده می‌کنند و زوج به آن اعتراض نمی‌کند. قانون نیز در نهایت به‌رغم شبهه حرمتی که برخی به آن فتوا داده و بعضی را به احتیاط

---

۱. گفتنی است در این راه‌حل‌ها ظاهر شرع نیز حفظ می‌شود. گرچه تصور بر آن است که اگر مردی با زنی به‌طور موقت ازدواج کند به شرط آنکه فقط از تخمک او استفاده نماید از او استفاده ابزاری کرده است، یا اگر با زنی به‌طور موقت ازدواج کند به شرط آنکه فرزندی برای او بیاورد و از او جدا شود، نهاد خانواده بازیچه شده است، یا اگر زنی به عقد موقت مردی درآید به شرط آنکه فقط از اسپرم او استفاده کند در معنا مثل آن است که زنی از اسپرم مردی اجنبی استفاده نماید، حال آنکه اگر دقت شود، هیچ‌کدام از این اشکال‌ها وارد نیست.

و ادا کرده است،<sup>۱</sup> و نیز تبعات سوء و مضرات ناشی از آن در این روند - که جداگانه تذکر داده شد - و احتمال رخ دادن محرمات دیگری از قبیل لمس، نظر اجنبی و اجنبیه؛ اجازه می‌دهد زوجین نابارور از رویان زوج دیگری استفاده کنند و زوجه فرزند زوج دیگری را در رحم خود پرورش دهد.

اما آیا به دنبال این جواز، از حیث حقوقی می‌توان اجازه داد دریافت کنندگان شرط کنند زوجین از حقوق مبتنی بر ارتباط تکوینی (زیست‌شناختی) مانند وراثت، محرمیت، حضانت و ولایت خودشان نسبت به فرزندشان چشم‌پوشی کنند؟ آیا می‌توان نسب او را از آنها قطع کرد<sup>۲</sup> و نام پدر و مادر را از او گرفت، ارث او را از آنها برید، خواهران و برادران ژنتیکی‌اش را انکار کرد و او را نسبت به این امور در جهالت نگه داشت؟ گرچه در صورت رضایت والدین به نگهداری از فرزندشان، دریافت کنندگان متعهد شوند همه هزینه‌های او را به‌طور متعارف بپردازند.

گویا قانونگذار با هدف شانه خالی کردن از حل این مشکلات و مسائل، متعرض این موارد نشده و تنها در چند مورد از آیین‌نامه اجرایی این قانون بر محرمانه بودن فرایند انتقال اصرار ورزیده که به‌نوبه خود خلاف حقوق والدین، فرزندان و اجتماع است،<sup>۳</sup> چنان‌که در ماده (۳) آیین‌نامه اجرایی آن (مصوب ۱۳۸۳/۱۲/۱۹ هیئت وزیران) می‌گوید: «اهدای جنین باید با موافقت و رضایت کتبی زوج‌های اهداکننده ... و به‌صورت کاملاً محرمانه انجام

۱. پیش‌تر نظر برخی از مراجع در این زمینه یادآوری شد.

۲. در کنوانسیون بین‌المللی حقوق کودک این حق برای کودک محترم شمرده شده است، چنان‌که در ماده (۸) می‌گوید: «کشورهای عضو پیمان جهانی حقوق کودک حفظ هویت از جمله ملیت و داشتن نام و پیوندهای خانوادگی را برای کودکان طبق قانون تضمین نموده است ...».

۳. شاید گفته شود قانونگذار به‌دلیل مصالح اجتماعی این فرایند را محرمانه دانسته است؛ چرا که اگر منظور از مصالح اجتماعی این است که افراد به دنبال حقوق خود نباشند که مصلحت در رعایت حق آنهاست و اگر منظور از آن جلوگیری از مخالفت مخالفان پس از آگاهی باشد که ممکن است به اختلاف منجر شود، باز هم مصلحت مقتضی رعایت حق آنهاست و یک گروه نباید به خودش اجازه دهد به این شکل در امور عمومی جامعه تصرف کند، چون سرانجام خوبی ندارد.

گیرد». و در بند «ت» ماده (۶) یکی از تکالیف و وظایف مراکز مجاز درمان ناباروری را «دریافت نگهداری و انتقال جنین‌های اهدایی در شرایط کاملاً محرمانه» می‌داند. همچنین ماده (۱۰) همین آیین‌نامه ارائه مدارک و اطلاعات را تنها به مراجع قضایی مجاز می‌داند و می‌گوید: «ارائه مدارک و اطلاعات مربوط به اهداکنندگان و دریافت‌کنندگان جنین اهدایی تنها با رعایت قوانین مربوط به حفظ و نگهداری اسرار دولتی و به مراجع قضایی صلاحیت‌دار مجاز می‌باشد». دلیل این همه شدت و غلظت در محرمانه بودن این فرایند چیست؟ با وجود این اشکالات می‌توان مجدداً این پرسش را مطرح کرد که دلایل جواز اهدای رویان زوجین شرعی به زوجه مستعد چیست؟

## ۲ انتقال از منظر عقل

اگر پس از جست‌وجو از دلیل نقلی نتوان از ظواهر اطلاقات و عمومات ادله نقلی، ترکیب تخمک و اسپرم خارج رحمی زوجین را به‌منظور انتقال به غیرزوجه منع کرد، همچنین نمی‌توان مستقیماً به سراغ اصول عملیه رفت و با اجرای اصل برائت و حلیت<sup>۱</sup> به جواز آن فتوا داد. پس برائت بدوی و اصالت حل پس از فحص از دلیل عقلی جریان می‌یابد، از این رو باید به عقل رجوع کنیم و بینیم حکم آن چیست. ظاهراً عقل در این مسئله حکم قطعی ندارد و به‌ناچار به جواز حاصل از اجرای برائت در شبهه حکمی تن می‌دهد، اما آثار و تبعات التزام به جواز و عمل چیزی نیست که بتوان به‌سادگی از کنار آن گذشت. بنابراین می‌گوییم به فرض که بتوان در بدو امر سایه اصل حلیت و برائت را بر انتقال رویان افکند، اما ابعاد دیگر موضوع و آثار و تبعات سوء آن عقل را از پذیرش اصل برائت و حلیت بدوی منع می‌کند.

انتقال رویان از آن دسته اموری است که بدواً به‌نظر می‌رسد مشکلی ندارد، بلکه دریافت‌کننده را شادمان کرده و به زندگی زوجین رونق و دوام می‌بخشد، اما یافته‌های

۱. در مورد اجرای اصالت حل احتمال می‌دهیم به حلیت توانایی‌های معهود در زمان شارع منصرف باشد.

تجربی نامطلوب آن در درازمدت<sup>۱</sup> ما را به تأمل وامی دارد به گونه‌ای که نمی‌توان به روشنی حکم به جواز آن داد. مانند استعمال دخانیات که پس از مدتی یافته‌های بعدی نشان داد که آثار زیان‌بار فراوانی دارد.<sup>۲</sup>

عقل در فرایند حکم خویش به دنبال کشف ملاکات (اعم از مصلحت و مفسده) است تا مصالح مورد نظرش را به دست آورد و با شناخت مفسد، مصالح موجود را حفظ کرده و از وقوع مفسد حتمی و احتمالی که آنها را تهدید می‌کند جلوگیری نماید. پس بحث را در دو طریق پی می‌گیریم.

### ۲-۱ حفظ مصالح

شکی نیست که حفظ مصالح متبلور و شناسایی روش‌های ممکن برای تأمین آن عقلاً لازم است و حفظ نهاد طبیعی به این منظور ضروری است. از سویی عقل، باروری با انتقال رویان<sup>۳</sup> را از مصادیق تصرف در روندهای طبیعی می‌داند. پس آیا تصرف در روندهای طبیعی در این عرصه جایز است یا ممنوع یا دارای تفصیل؟

بدون شک بشر به توانایی‌هایی دست یافته و می‌یابد که می‌تواند در روند و نهادهای طبیعی دخالت کرده و تغییراتی به دلخواه یا به مصلحت پدید آورد و به نتایجی برسد که پیش از آن تصور نمی‌کرد. حال این سؤال مطرح می‌شود که آیا بشر حق دارد توانایی‌هایش را برای تغییر روند و نهادهای طبیعی به کار گیرد و نظام حاکم بر آن را دگرگون سازد؟

۱. در کنار دلالت احتمالی برخی از آیات و روایات.

۲. ملاحظه می‌شود که استعمال دخانیات نیز بدو جایز به نظر می‌رسد، اما یافته‌های تجربی فراوان در پس استعمال آن فقیه را در مورد حلیت آن به شک می‌اندازد و او را به جایی می‌رساند که نه تنها بعید می‌داند، بلکه مطمئن می‌سازد شارع مقدس راضی به استعمال چنین ماده مضر نیست. به‌رحال زیان و فساد برخی امور برای همگان روشن است و کسی در مورد آن تردید نمی‌کند، ولی برخی امور این‌گونه نیست و آثار آنها در درازمدت و برای متخصصان آشکار می‌شود.

۳. خواه رویان زوجین شرعی و قانونی باشد یا هر مرد و زن دیگری را.

### ۲-۱-۱ جواز

کسانی ممکن است قائل به جواز شوند و به طور کلی این حق را به انسان بدهند که نظام طبیعی را تغییر دهد و هیچ حد و مرزی در این روند برای خود قائل نباشد و به کارگیری هر نوع توانایی را جایز بداند.<sup>۱</sup>

در این صورت یکی از مصادیق آن که ترکیب خارج رحمی تخمک و اسپرم هر زن و مردی به منظور انتقال به هر کس و تولید انسان و حتی شبیه‌سازی آن از سلول خود او را نیز اجازه می‌دهد، و می‌گوید ما می‌توانیم انسان تولید کنیم و کاری به پدر، مادر، نسب و محرمیت نداریم. و به این اشکال که انسان بی‌پدر و مادر هویت ندارد و ممکن است هر جنایتی از او سر بزند هم چنین پاسخ می‌دهند که انسان‌های پدر و مادر دار هم جنایت می‌کنند. بنابراین با پیشرفت‌هایی که در حوزه فناوری باروری و شبیه‌سازی به دست آمده ممکن است به جایی برسیم که دیگر نیازی به خانواده نباشد. زن اگر بچه می‌خواهد می‌تواند از بانک گامت، اسپرم دریافت کند، مرد نیز می‌تواند از بانک گامت، اوول دریافت کند، و در آزمایشگاه و به طور مصنوعی از رویان‌های موجود یا با سلول و شبیه‌سازی، انسان‌های جدید پدید آیند. و به این ترتیب نهاد طبیعی توالد و تناسل کاملاً متغیر و دگرگون می‌شود!

### ۲-۱-۲ منع

در مقابل نظریه بالا نظریه دیگری وجود دارد که براساس آن انسان حق ندارد روندهای طبیعی را که سالم و به صلاح اوست تغییر دهد، چون نمی‌داند تغییرات او را به کدام سمت می‌برد. یا می‌داند که او را به سمت خیر و صلاح نمی‌برد و یا احتمال ضرر و مفسده‌ای می‌دهد که موجودیت او را به خطر می‌اندازد در این صورت انسان عاقل توانایی اش را به ضرر خود یا همنوعش به کار نمی‌گیرد. چنان که به کارگیری فناوری‌های جدید و استفاده

---

۱. بل برید الانسان ليفجر امامه: بلکه انسان می‌خواهد روبرویش را بشکافد. و آزادانه هر کاری که می‌خواهد بکند (قیامت: ۵).

از گازهای گلخانه‌ای سبب گرم شدن زمین، تخریب محیط زیست و پدیدار شدن آثار زیان‌باری است که سلامت افراد را در اثر تنفس هوای آلوده و تغذیه از محصولات کشاورزی متأثر از کودها و حشره‌کش‌های شیمیایی به خطر انداخته است.

به‌هرحال عقل حکم می‌کند انسان آنچه را سبب نگرانی‌اش می‌شود رها کند و به چیزی دور از نگرانی چنگ زند یا از روش مطمئن و بی‌خطر دست بردارد و به سمت روشی نرود که نسبت به عواقب آن علم و اطلاعی ندارد و می‌ترسد که کیان او را بر باد دهد؛ چون دفع ضرر مظنون و محتمل را واجب می‌داند. هم‌چنان که در روایات نیز این حکم عقلی وارد شده است: «دع ما یریبک الی ما لایریبک»<sup>۱</sup> آنچه تو را نگران می‌کند به سود چیزی که نگرانی ندارد، رها کن» (ابواسحاق، ج ۱: ۲۱۷؛ ترمذی، ج ۴: ۶۶۸؛ زمخشری، ج ۱: ۳۴؛ ابن الاثیر، ۱۳۶۷، ج ۲: ۲۸۶؛ شهید اول، ج ۱: ۱۰۹).

پیامبر اکرم (ص) فرموده است: «اتركوا ما لا بأس به حذراً مما به البأس: چیزی را که مانعی ندارد به حال خود رها کنید، به خاطر پرهیز از چیزی که مانع دارد»<sup>۲</sup> (طبرسی، ۱۳۶۵، ج ۱: ۳۷). به فرموده امام صادق (ع) هم: «الوقوف عند الشبهة خیر من الارتطام فی الهلکة: توقف در امور مشتبه بهتر از افتادن به ورطه هلاکت است» (کلینی، ۱۳۶۳، ج ۱: ۵۰)<sup>۳</sup>، یعنی جایی که شبهه داریم مفسده‌ای وجود دارد که به آن سبب حرام باشد، بهتر است توقف کنیم و با ارتکاب آن خود را به مفسده - هرچند احتمالی - مبتلا نسازیم و به هلاکت نیافکنیم.

گفتنی است که این به معنای پذیرفتن احتیاط در مطلق شبهات تحریمیه نیست تا توهم شود که مسلک و مبنای اخباریان را پذیرفته‌ایم. اخباریان در شبهات تحریمیه به‌طور کلی به

۱. در العارات نقل شده است که عبدالله بن جعفر این جمله را در مقابل امام علی (ع) گفت و حضرت آن را رد نکردند و در منابع دیگر نیز از طریق عامه از پیامبر (ص) نقل شده است.

۲. در ذیل آیه دوم سوره بقره، که می‌گوید از پیامبر اکرم (ص) نقل است که فرمود: انما سمی المتقون لترکهم ما لا بأس به حذراً للوقوع فیما به بأس.

۳. که در آن به جای ارتطام، اقتحام وارد شده است (صدوق، ۱۳۹۰، ق، ج ۳: ۵).

احتیاط قائل‌اند و ما این را نمی‌گوییم، بلکه زمانی که پای تبعات و پیامدهای مضر و مفسد در میان باشد و نتوان مفسده محتمل را تحمل کرد، به حکم عقل احتیاط را لازم می‌دانیم. چنان‌که شیخ انصاری نیز در شبهه تحریمیه می‌گوید: «انصاف این است که عقل دفع ضرر مشکوک را لازم می‌داند چنان‌که به دفع ضرر یقینی حکم می‌کند و این معنا وجداناً روشن است، جایی که احتمال هست مایعی سمی باشد یا نباشد و این احتمال از هر جهت یکسان باشد»<sup>۱</sup>.

به‌هر حال از این مبنا هم نتیجه می‌گیریم که روندهای طبیعی را در عرصه‌های مختلف از جمله تولید مثل برهم نزنیم. در اینجا می‌توان به برخی ادله نقلی نیز استدلال کرد که آنها را از نظر می‌گذرانیم.

### ۲-۱-۳ نظام احسن

قائلان این نظریه معتقدند ما خود محصول روندی طبیعی هستیم که خالق‌مان برای ما ترسیم کرده و او قطعاً در این وضع و نظم صلاح بشر را دیده و این نظم، نظم احسن است، چنان‌که فرمود: «... ثم انشأناه خلقاً آخر فتبارك الله احسن الخالقين: آنگاه [جنین را در] آفرینشی دیگر پدید آوردیم. آفرین بر خدا که بهترین آفرینندگان است» (مؤمنون: ۱۴). اما اینکه غیر این وضع آیا به صلاح بشر هست یا نه؟ نمی‌دانیم، بلکه آثار و شواهد بسیاری وجود دارد که به صلاح بشر نیست و عقل در این‌گونه موارد احتیاط را لازم می‌داند. ممکن است به برخی آیات و روایات استناد شود که تغییر این وضع جایز نیست از جمله قطع رحم و تغییر خلق که درباره آنها بحث می‌کنیم.

### ۲-۱-۴ قطع رحم

آیات و روایاتی است که قطع رحم را جایز نمی‌دانند: و یقطعون ما امر الله به ان یوصل و

---

۱. لكن الانصاف الزام العقل بدفع الضرر المشكوك فيه كالحكم بدفع الضرر المتيقن كما يعلم بالوجدان عند وجود مائع محتمل السمية اذا فرض تساوى الاحتمالين من جميع الوجوه (حیدری: ۱۶۸).

یفسدون فی الارض اولئک هم الخاسرون: [مگر فاسقان]... که آنچه را خداوند به پیوستنش امر فرموده می‌گسلاند و در زمین به فساد می‌پردازند، آنان همان زیان‌کارانند (بقره: ۲۷).

از امام صادق (ع) نقل است که درباره این آیه فرمود: منظور بستگان (نسبی و سببی) شماست.<sup>۱</sup> و از امام باقر (ع) نقل است که پدرم [امام سجاد (ع)] به من فرمود: فرزندانم با پنج گروه معاشرت مکن. عرض کردم آنها چه کسانی هستند؟ فرمود ... و کسی که قطع رحم کرده است؛ چرا که او در سه جای از کتاب خدا ملعون معرفی شده است آنجا که فرموده است: فهل عسیتم ان تولیتم ان تفسدوا فی الارض و تقطعوا ارحامکم اولئک الذین لعنهم الله ... (محمد: ۲۲)، الذین ... یقطعون ما امر الله به ان یوصل و یفسدون فی الارض اولئک لهم اللعنة و لهم سوء الدار (رعد: ۲۵)، الذین ... یقطعون ما امر الله به ان یوصل و یفسدون فی الارض (بقره: ۲۷).<sup>۲</sup>

با این بیان که اگر قطع رابطه بیرونی و ترک معاشرت با کسانی که ارتباط خونی و ژنتیک دارند، به قدری مهم باشد که ملازم با افساد در زمین است، قطع رحم واقعی به طریق اولی فساد در زمین [جامعه انسانی] محسوب می‌شود و فساد در زمین حرام است.

### ۵-۱-۲ تغییر خلق

و به دلیل آیه‌ای در قرآن که کلامی را از شیطان نقل می‌کند که او با تأکید فراوان

۱. عمر بن یزید قال: سألت ابا عبدالله (ع) عن قول الله - عزوجل - «الذین یصلون ما امر الله به ان یوصل» فقال: قرابتک (کلینی، ۱۳۶۳، ج ۲: ۱۵۶).

۲. محمد بن مسلم او ابی حمزة عن ابی عبدالله (ع) عن ابیه (ع) قال: لی علی بن الحسین (ع): یا بنی انظر خمسة فلاتصاحبهم ولا تراقهم ولا تحادثهم فی طریق، فقلت: یا آبه من هم؟ قال: ایاک و مصاحبه ... القاطع لرحمه فانه ملعون فی کتاب الله - عزوجل - فی ثلاثة مواضع: قال الله - عزوجل - : فهل عسیتم ان تولیتم ان تفسدوا فی الارض و تقطعوا ارحامکم اولئک الذین لعنهم الله ... و قال: الذین ... یقطعون ما امر الله به ان یوصل و یفسدون فی الارض اولئک لهم اللعنة ... و قال: الذین ... یقطعون ما امر الله به ان یوصل و یفسدون فی الارض ... (کلینی، ۱۳۶۳، ج ۲: ۳۷۷).



می گوید: لأضلّهم ... و لا مرّتهم فليغيرن خلق الله: [شیطان] گفت: آنان را سخت گمراه ... و ادارشان می کنم تا آفریده خدا را دگرگون سازند (نساء: ۱۱۹).

در مسالک الافهام آمده است: «در مورد تغییر خلق دو وجه هست: یکی اینکه منظور تغییر دین خدا باشد، پس کسی که کافر شود و غیر خدا مانند ماه و خورشید را پرستد، دین فطری الهی که مردم بر آن خلق شده اند را تغییر داده است، و دوم اینکه منظور تغییرات مربوط به ظاهر خلقت باشد که در این صورت شامل کارهایی مانند اخته کردن غلامان است که به طور کلی حرام می باشد»<sup>۱</sup>. صاحب تفسیر المیزان هم می گوید: «تغییر خلق الله بر اخته کردن و انواع مثله و لواط و سحق منطبق می شود و بعید نیست که مراد از تغییر خلق الله خارج شدن از حکم فطرت و ترک دین حق باشد»<sup>۲</sup> (طباطبایی، ج ۵: ۸۵ و نک. زمخشری، ج ۱: ۵۶۶).

مشاهده می شود که برای این تغییر خلق دو احتمال عمده داده شده که هر دو موضوع بحث ما را دربرمی گیرد. اگر منظور تغییر در خلق طبیعی باشد - چنان که از مثال اخته کردن برمی آید - در موضوع بحث که تغییر عمده در نحوه زاد و ولد است آیه، به طریق اولی موضوع بحث را فرامی گیرد و اگر منظور تغییر دین باشد هم روشن است، چون با تغییر در نظام تکوینی و طبیعی، نظام تشریحی مبتنی بر آن نیز تغییر می کند و همه حقوق و احکام مترتب بر ارتباط نسبی و سببی در عرصه ارث، محرمیت، زوجیت و خانواده و ... به هم می خورد و چه بسا حلال خدا حرام و حرام او حلال شود.

در مجمع البیان آمده است: «در معنای آیه اختلاف شده و برخی گفته اند منظور از

۱. فیہ و جهان: احدهما ان المراد تغییر دین الله ... فمن كفر و عبد غیر الله كالشمس و القمر فقد غیر فطرة الله التي فطر الناس علیها. و الثاني ان المراد تغییر يتعلق بظاهر الخلقة و مندرج فیہ نحو خصاء العیید فیکون حراماً علی اطلاقه (کاظمی، ج ۲: ۴۰۲).

۲. و لا مرّتهم بتغییر خلق الله ینطبق علی مثل الاخصاء و انواع المثلة و اللواط و السحق. و لیس یبعد أن یکون المراد بتغییر خلق الله لخروج عن حکم الفطرة و ترک الدین الحنیف. برخی فقیهان از این آیه حتی بر حرمت تراشیدن ریش هم استفاده کرده اند (نک. خویی، ۱۳۷۷، ج ۱: ۴۰۷).

تغییر خلق، تغییر دین خدا و فرمان اوست ... که از امام صادق (ع) نیز همین روایت شده است ... و منظور از آن تحریم حلال و تحلیل حرام است»<sup>۱</sup> (طبرسی، ۱۳۶۵: ۱۷۳).

اگر گفته شود بشر در طول تاریخ این گونه عمل کرده و زندگی او با تغییر از شکل بدوی و ساده به شکل پیچیده و محیرالعقول کنونی درآمده است و این تغییرات در همه عرصه‌های زندگی بشر مشاهده می‌شود، و آیا می‌توان گفت تغییر بیل به گاو آهن و تراکتور جایز نبوده است؟ می‌گوییم منظور از تغییر در خلق، تغییر در ابزارهایی نیست که از اول ساخته دست بشر بوده‌اند، بلکه منظور تغییر در نهادهای طبیعی است. نهاد طبیعی این است که انسان از ترکیب نطفه زن و مرد و در رحم صاحب تخمک پدید آید، تغییر آن به شبیه‌سازی، تغییر نهاد طبیعی است و این گونه تغییرات محل اشکال است.

توضیح بیشتر اینکه انسان به برکت تکنولوژی‌های جدید می‌تواند در نهادها و روندهای طبیعی نیز تغییر ایجاد کند و حوزه تصرف و تغییراتی که انسان می‌تواند پدید آورد فی‌الجمله یا در عالم نفس است یا طبع؛ چرا که مراتب موجودات در عالم هستی عبارت‌اند از: جبروت، ملکوت، ناسوت و به عبارتی ذات ربوبی، عالم فرشتگان، عالم نفس و عالم طبع<sup>۲</sup> (طبیعت). عالم طبع نیز اعم است از انسان، حیوان، نبات و جسم بی‌جان؛ و جسم بی‌جان نیز اعم است از گاز، سیال و جامد.

ظاهراً قدرت انسان محدود به تصرف و ایجاد تغییر در عالم نفس<sup>۳</sup> و طبع است. عالم

۱. اختلف فی معناه فقیل: یرید دین الله و امره ... و هو المروى عن ابی عبد الله (ع) ... و اراد بذلك تحریم الحلال و تحلیل الحرام.

۲. این مراتب را غیب‌الغیوب، لاهوت، جبروت، ملکوت و ناسوت نیز گفته‌اند.

۳. تصرف و تغییر در عالم نفس که شاید شامل عالم اجنه و ارواح نیز شود در اینجا مورد بحث نیست و اجمالاً از برخی آیات و روایات استفاده می‌شود که انسان قادر است حتی جن را به خدمت خود درآورد و به وسیله او کارهایی انجام دهد. از قرآن برمی‌آید که حضرت سلیمان اجنه را در خدمت خود داشتند: «و حشر السلیمان جنوده من الجن و الانس و الطیر فهم یوزعون: و برای سلیمان سپاهیان از جن و انس و پرندگان جمع‌آوری شدند و [برای رژه] دسته‌دسته گردید» (نمل: ۱۷). و در سوره جن آمده که: «انه کان رجال من الانس یعوذون برجال من الجن فزادوهم رهقاً: مردانی از آدمیان به مردانی از جن پناه می‌بردند و بر سرکشی آنها می‌افزودند» (جن: ۶). در احتجاج طبرسی به ←

نفس محل بحث نیست و در عالم طبع، یا در خود تصرفاتی می‌کند یا در حیوان یا در نبات یا در جسم بی‌جان. انسان از قدیم‌الایام در جسم تصرفاتی کرده است، مثلاً سنگ آهن را ذوب کرد و با آن بیل ساخت و تا این حد مشکلی ایجاد نکرد، اما با پیشرفت‌هایی که در عرصه علم و فناوری نصیب او شد نفت را از اعماق زمین استخراج کرده و به بهره‌وری آن پرداخت و پس از چندی متوجه شد لایه ازن را از هم گسیخته و سبب گرم شدن زمین شده است و اکنون در صدد چاره‌جویی برآمده تا به دست خود محیط زیست و نهایتاً خودش را از این نبرد<sup>۱</sup>.

در نبات نیز با عمل پیوند، تصرف و اصلاح نژاد کرد که این هم مانعی ندارد، گرچه با دستیابی به تکنولوژی‌های جدید ممکن است در همین زمینه نیز تصرفاتی کند و تغییرات ژنتیکی پدید آورد که خوف‌انگیز باشد. امروزه انسان توانسته با خصی کردن یا اصلاح نژاد حیوانات، تصرفاتی در این زمینه انجام دهد که تا این اندازه هم مانعی ندارد، اما درباره تلقیح نطفه انسان به حیوان یا شبیه‌سازی و ایجاد تغییرات ژنتیکی و پدید آوردن حیوانات غول‌آسا و مانند اینها باید بررسی شود و نمی‌توان مطلقاً آنها را مجاز دانست.

تصرف در انسان نیز در حد جراحی، قطع عضو فاسد، پیوند عضو، سزارین و ... مشکلی ایجاد نکرده است. اما تلقیح نطفه انسان به حیوان و تولید موجودی جدید یا انتقال رویان انسان به رحم حیوان و ... یا شبیه‌سازی انسان و حیوان از نطفه و سلول خودش، همه پدیده‌های نوظهوری می‌باشد که گرچه انسان به انجام آنها قادر است لکن باید به دقت مطالعه و آثار و پیامدهای آنها بررسی شود تا مشخص گردد که هیچ اثر و پیامد سویی ندارد، آنگاه می‌توان آن را تجویز کرد.

---

→ نقل از امام صادق (ع) آمده که در پاسخ به پرسش زندیقی که از ایشان درباره کاهن سؤال کرد که چگونه از رخدادهای خبر می‌دهد؟ فرمود: کان الکاهن ... فیخبرهم عن اشیاء تحدث و ذلک من وجوه شتی: فراسة العین و ذکاء القلب و وسوسة النفس و فتنة الروح مع قذف فی قلبه لان ما يحدث فی الارض من الحوادث الظاهرة فذلک يعلم الشيطان و یؤدیة الی الکاهن و یخبره بما يحدث فی المنازل و الاطراف (طبرسی، ۱۴۰۳ ق، ج ۲: ۳۳۹).

۱. «ظهر الفساد فی البر و البحر بما کسبت ایدی الناس: فساد در خشکی و دریا به سبب آنچه دست‌های مردم فراهم آورده نمودار شده است» (روم: ۴۱).

اکنون پس از سال‌ها استفاده و بهره‌برداری از برخی داروهای شیمیایی، تکنولوژی‌های مخابراتی، تجهیزات پزشکی و ... کشف شده که آنها آثار زیان‌باری بر جسم یا روح انسان دارد، و نیز برخی روش‌های تولید محصول کشاورزی و اخیراً تولید مثل انسانی نیز روش‌های سازگار با طبع بشر نیست.

به‌رحال مجموع مطالعات و تحقیقات به‌عمل آمده در مورد پیامدها و دستاوردهای بشر در عرصه تلقیح و دستکاری‌های ژنتیکی و شبیه‌سازی و به‌کارگیری توانایی انسان در این موارد با مخالف‌های جدی از سوی جمعی از ارباب ادیان، حقوق‌دانان و حتی متخصصان زیست‌شناسی مواجه شده است.

## ۲-۲ دفع مفسد

دفع مفسده و شر هر امری متوقف بر شناخت مفسد قطعی و محتمل آن است. از این رو باید آثار و پیامدهای انتقال رویان هم بررسی شود.

### ۲-۲-۱ آثار و پیامدهای انتقال رویان

انتقال رویان بدون شک، پیامدهای فردی و اجتماعی و همچنین روحی، جسمی، حقوقی و اخلاقی عدیده‌ای دارد که به‌طور فشرده، در این مختصر به برخی از آنها اشاره می‌شود:

#### ۲-۲-۱-۱ تبعات روانی و جسمی برای فرزند

##### الف) تبعات روانی

ممکن است فرزند متولد شده از اهدای رویان پس از اطلاع از اینکه به‌صورت طبیعی به دنیا نیامده و بی‌اصل و نسب است دچار مشکلات روانی شود و او را گرفتار خودخوری و احساس حقارت کند و علاوه بر اینها به اعمالی وادارد که از افراد دیگر انتظار نمی‌رود. اگر گفته شود اصرار بر محرمانه بودن انتقال رویان برای پیشگیری از همین عوارض است، باید پاسخ داد صرف نگاشتن قانون کفایت نمی‌کند و ممکن است او از راه‌های مختلف مطلع شود فرزند ژنتیکی پدر و مادر خود نیست مانند اظهار والدین در مواقع بروز اختلاف،

آشکار شدن ناسازگاری ژنتیکی و خونی او و والدین و دست‌یابی به اطلاعات محرمانه از سوی کسانی که قصد ایذاء و تحقیر او را دارند یا می‌خواهند باج‌گیری کنند. از این رو ممکن است فرزند پس از آگاهی از والدین ژنتیکی خود نتواند با این مسئله کنار بیاید و دچار مشکلات روانی و اختلالات رفتاری یاد شده گردد. در مورد رحم اجاره‌ای هم توجه به این مسئله که آیا مادر جایگزین، رحم اجاره داده یا فرزند خودش را فروخته است بر فرزند اثر نامطلوب می‌گذارد. برخی آثار روانی دیگر ممکن است از ناحیه مادر اجاره‌ای به او برسد که بعداً به آنها اشاره می‌شود.

#### ب) تبعات جسمی

ممکن است در دوران بارداری، مادر جایگزین به علت بروز اختلاف با شوهرش، مراقبت‌های لازم را از حمل خود به عمل نیاورد به گونه‌ای که فرزند دچار کمبود و کاستی شود و یا حتی چون فرزندش نیست در صدد سقط او برآید. احتمال دیگر آنکه مادر اجاره‌ای چون می‌داند، فرزندش را بعد از تولد از او جدا می‌کند، اما علی‌رغم دریافت خرجی کامل ممکن است به دلیل عدم رسیدگی، او را دچار آسیب‌ها و نواقصی کند؛ چون زنی که ناچار شده رحمش را برای این کار اجاره دهد، انگیزه‌ای ندارد پولی را که از این طریق به دست آورده برای سلامت جنینی خرج کند که قرار است پس از تولد از آن دیگران شود.

#### ۲-۲-۱-۲ تبعات روانی، جسمی و حقوقی برای مادر جایگزین

مادر جایگزین خواه رحمش را از سر نوع دوستی یا کسب درآمد و یا ... محل پرورش فرزند شخص دیگری قرار دهد نیز در این فرایند دچار عوارضی می‌شود از جمله:

- علم به اینکه حملش را باید به دیگری واگذار کند، بر او و به تبع آن بر حملش اثر منفی دارد؛ «به گفته پزشکان اگرچه ویژگی‌ها و خصوصیات فرد حامل جنین از لحاظ چهره و به لحاظ فیزیکی و ژنتیکی تأثیری بر روی جنین نمی‌گذارد، اما از لحاظ روحی و روانی تاحدی می‌تواند بر جنین تأثیرگذار باشد» (جمعی از نویسندگان، ۱۳۸۶: ۳۷).

- ممکن است پس از زایمان و به علت انس و الفتی که میان او و جنین در مدت بارداری پدید آمده، حاضر به جدایی از فرزند نباشد و دچار لطامت روحی و افسردگی شود، به ویژه اگر تحویل گیرندگان فرزند مانع ارتباط او با فرزندش شوند.

- ممکن است در اثر تألمات روحی برای تحویل گیرندگان مزاحمت ایجاد کند و خودش نیز دچار آسیب‌های مضاعف شود.

- ممکن است برای دریافت اجرت دچار مشکل شود؛ یعنی مبلغ مورد توافق به او پرداخت نشود و کارشان به طرح دعوا بگردد.

- نفس بارداری برای او مخاطراتی دارد که معلوم نیست با مبلغ اجاره جبران شود.  
- نفس اجاره دادن رحم اگر برای رفع نیاز مادی باشد، برای او تحقیرکننده و عذاب‌آور است.

- اگر شوهر داشته باشد ممکن است با شوهر و بچه‌هایش دچار مشکل شود «اغلب مردان معمولاً با اکراه می‌پذیرند که زنشان در رحم خود جنین مرد دیگری را حمل نمایند ... و چه بسا پذیرش قرارداد جایگزینی از سوی یک زن، سبب بی‌توجهی شوهر و بروز مشکلات خانوادگی و حتی طلاق گردد. بچه‌های زن میزبان نیز به نوعی قربانی محسوب می‌شوند. برخی از آنها توسط دوستانشان مسخره یا اذیت می‌شوند و بقیه به خاطر عمل مادرشان احساس شرم می‌کنند» (همان: ۲۱۲).

- «اگر بارداری به سرانجام نرسد، یا بچه ناقص یا بدشکل باشد، زن جایگزین ممکن است احساس گناه شدید داشته باشد و والدین نامزد، ضمن احساس خشم و نفرت نسبت به او ممکن است از پذیرش نوزاد امتناع ورزند» (همان: ۲۱۴).

- «اگر مادر جایگزین مصرف الکل یا داروهای مضر در دوران بارداری را پنهان سازد و بچه ناهنجار متولد شود چه خواهد شد؟» (همان).

- «اگر هر دو یا یکی از والدین نامزد قبل از تولد بچه بمیرند یا از هم طلاق بگیرند چه خواهد شد؟» (همان: ۲۱۵).

### ۲-۲-۱-۳ تبعات پدر حکمی

تبعات احتمالی موضوع برای پدر حکمی به شرح زیر است:

- اگر پدر حکمی با مادر صاحب رحم به دلیل قبول رویان یا به هر علت دیگری دچار اختلاف شوند و پدر ازسوی مادر مورد تحقیر و سرکوفت قرار گیرد که تو معیوب بودی و... و همین امر به جدایی آنان بیانجامد و سبب عوارضی هم برای فرزند شود و گاه پای والدین ژنتیک را نیز به میان بکشاند.

- اگر پدر حکمی دچار مشکل مالی شود و نتواند هزینه زندگی را تأمین کند ممکن است پشیمان شود که چرا چنین کرده و نسبت به همسر و فرزند غیرمسئولانه رفتار کند و دچار عذاب وجدان گردد.

- پس از آنکه فرزند به بلوغ و استقلال فکری رسید اگر متوجه شود که فرزند ژنتیکی این پدر و مادر نیست، ممکن است ولایت پدرش را به چالش کشد و او را بیازارد و آنها را که شاید به امید اینکه در پیری عصای دستشان باشد، سرخورده و ناامید سازد.

### ۲-۲-۱-۴ تبعات والدین زیست‌شناختی (ژنتیکی)

اهدای رویان ممکن است والدین زیست‌شناختی را نیز با مشکلاتی مواجه سازد از جمله:

- ممکن است آنها را در طول زمان دچار عذاب وجدان کند.

- ممکن است آنها فرزندانشان را در حادثه‌ای از دست بدهند و نتوانند بچه‌دار شوند و

بخواهند فرزندان ژنتیکی خود را نزد خود آورند، و از این رو برای والدین غیرژنتیکی ایجاد مزاحمت کنند و زندگی آنها را مختل و حتی متلاشی نمایند.

- ممکن است از یکدیگر جدا شوند و این جدایی سبب طرح دعوی بازگرداندن فرزند یا

افشای رازی شود که بدون توجیه معقول پذیرفته‌اند،

- ممکن است آن راز را فاش کنند چون معتقدند فرزند آنان باید خواهر و برادرهای

ژنتیکی خود را بشناسد تا از ازدواج با یکدیگر اجتناب کنند و از این راه مشکلاتی برای

خود و دیگران پدید آورند.

**۵-۱-۲ تبعات حقوقی**

اهدای رویان ممکن است تبعات حقوقی زیر را هم به همراه داشته باشد:

- طرح دعاوی مختلف در مورد ارث، نسب، ولایت و غیره که در موارد پیش به آنها اشاره شد. فرزندان متولد از مادر جایگزین پس از رسیدن به سن قانونی ممکن است عرصه را بر والدین خود تنگ نمایند.
- کم اعتبار کردن قوانین و نظام قانونگذاری، از آن رو که مجوزی صادر کرده که این همه تبعات منفی به دنبال دارد.
- مخدوش کردن چهره دین فقه و دین از آن حیث که قانون نحوه اهدای جنین به زوجین نابارور در نهایت به فقه و دین منتسب می شود.

**۶-۱-۲ تبعات اجتماعی**

این مسئله باید در فضایی معقول و با لحاظ همه عوارض و تبعات احتمالی بررسی و حل و فصل شود و با حکم فاقد مبنای معقول نمی توان از عوارض اجتماعی آن جلوگیری کرد، از جمله مزاحمت والدین حکمی و ژنتیک برای همدیگر، مزاحمت مادر حکمی و اجاره‌ای برای یکدیگر، اختلال جمعیتی و به هم خوردن توازن طبیعی میان زنان و مردان، اختلال نسبی ناشی از ازدواج خواهر و برادر یا فرزند و مادر یا پدر و دختر با یکدیگر که به قطع رحم منجر می شود تا حدی که افساد فی الارض شمرده شده است، چنان که پیش تر گذشت.

**۳ نتیجه گیری**

حاصل سخن اینکه انتقال رویان به کمک فناوری‌های جدید به رحم غیرزوجه تنها در صورتی جایز است که محرز شود ضرر و مفسده‌ای به دنبال ندارد یا اگر ضرری به دنبال دارد از دید عقلا، آن قدر اندک باشد که قابل اعتنا نباشد، اما اگر عواقب زیان‌بار آن - گرچه احتمالاً - قابل تحمل نباشد، جایز نیست، چنان که آثار آشکار شده و احتمالی آن نیز این گونه نشان می دهد.



## منابع و مأخذ

- قرآن کریم، ترجمه محمد مهدی فولادوند، دارالقران الکریم، تهران.
- ابن الاثیر، مجد الدین ابوالسعادات (۱۳۶۷). *النهاية في غريب الحديث و الاثر*، قم، مؤسسه مطبوعاتی اسماعیلیان، چاپ چهارم.
- ابن منظور، محمد بن مکرم (۱۴۱۲ ق). *لسان العرب، دار احیاء التراث العربی، بیروت، مؤسسه التاریخ العربی، چاپ دوم.*
- ابواسحاق، ابراهیم بن محمد (بی تا). *الفارات*، تهران.
- ابوحنیفه، النعمان بن محمد (۱۴۱۱ ق). *دعائم الاسلام و ذکر الحلال و الحرام و القضايا و الاحکام*، بیروت، دارالاضواء، چاپ اول.
- ابوعلی محمد بن محمد الاشعث (بی تا). *الجعفریات*، لوح مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی.
- تبریزی، جواد (بی تا). *صراط النجاة*، جلد ۶، لوح مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی.
- ترمذی، محمد بن عیسی (بی تا). *سنن ترمذی (الجامع الصحیح)*، بیروت، دارالکتب العلمیه.
- جمعی از نویسندگان (۱۳۸۶). *رحم جایگزین*، تهران، سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاه‌ها، چاپ اول.
- حر عاملی، محمد بن الحسن (۱۳۸۹ ق). *وسایل الشیعه*، تهران، المکتبه الاسلامیه.
- حیدری، سیدعلی نقی (بی تا). *اصول الاستنباط*، قم، مکتبه المفید.
- خویی، سیدابوالقاسم (۱۳۷۷). *مصباح الفقاهة*، قم، داوری.
- خمینی، سیدروح الله (بی تا). *تحریر الوسیله*، قم، مؤسسه النشر الاسلامی.
- زمخشری، محمود بن عمر (بی تا). *الکشاف عن حقایق غوامض التنزیل و عیون الاقوال فی وجوه التأویل*، بیروت، دارالکتب العربی.

- سیستانی، سیدعلی (بی تا). *منهاج الصالحین*، لوح مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی.
- شهید اول (بی تا). *غایة المراد فی شرح نکت الارشاد*، لوح مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی.
- شهید ثانی (۱۴۲۶ ق). *الروضه البهیة فی شرح اللمعة الدمشقیة*، قم، مجمع الفکر الاسلامی، چاپ اول.
- صانعی، یوسف (۱۳۸۶). *مجمع المسائل*، قم، میثم تمار.
- صدوق، ابوجعفر محمد بن علی (۱۳۹۰ ق). *من لایحضره الفقیه*، تهران، دارالکتب الاسلامیة، چاپ پنجم.
- طباطبایی، سیدمحمدحسین (بی تا). *المیزان*، قم، مؤسسه مطبوعاتی اسماعیلیان.
- طبرسی، ابوعلی الفضل بن الحسن (۱۳۶۵). *مجمع البیان فی تفسیر القرآن*، تهران، انتشارات ناصرخسرو، چاپ اول.
- طبرسی، ابومنصور احمد بن علی (۱۴۰۳ ق). *الاحتجاج*، مشهد، نشر المرتضی.
- فیض کاشانی، مولی محسن و محمدبن مرتضی (بی تا). *المجحة البیضاء فی تهذیب الاحیاء*، قم، دفتر انتشارات اسلامی، چاپ دوم.
- قرضاوی، یوسف (۱۴۰۹ ق). *الحلال و الحرام فی الاسلام*، تهران، معاونیة العلاقات الدولیة فی منظمة الاعلام الاسلامی، چاپ اول.
- قانون نحوه اهدای جنین به زوجین نابارور.
- کاظمی، محمد (بی تا). *مسالك الافهام الی آیات الاحکام*، تهران، المكتبة المرتضویة الاحیاء الآثار الجعفریة.
- کلینی، محمد بن یعقوب (۱۳۶۳). *الکافی*، تهران، دارالکتب الاسلامیة، چاپ پنجم.
- کنوانسیون بین المللی حقوق کودک.
- مظفر، محمدرضا (۱۳۸۶ ق). *اصول الفقه*، نجف، دارالنعمان، چاپ دوم.
- منتظری، حسینعلی (۱۳۸۸). *رساله استفتائات*، قم، ارغوان دانش، چاپ اول.